
خشمگین و خیس

فریدریش دورنمات / ترجمه‌ی مهشید میرمعزی



از بطن مادرم به بیرون لفزیدم

هرگز نفهمیدم چرا

و به دستور چه کسی

بعدها چشمم به نور افتاد

و بدبین شدم

هنوز هم هستم

به خودم، به جهان

آن بیرون ناشناخته است

متعلق به من نیست

نعمتی باور نکردنی

با نفرینی شریر

چه کسی می‌داند

و آماده همه چیز است

پس من شراب جمع می‌کنم

برگ‌های قهوه‌ای و خشک را دود می‌کنم

زودگذری‌ها

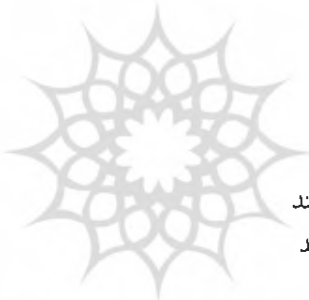
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چرا که فقط چیزهای پوچ
ماندگارند

هنوز نوکران ما هستند
هنوز دستورات ما را
با حماقت، لجاجت و تلاش
اجرا می‌کنند

اما نتایجی
که ارائه می‌کنند
دیگر فقط توسط مثل خودشان
قابل کنترل نیست

اما به زودی
به محاسبه ادامه می‌دهند
بدون ما فرمول‌هایی می‌یابند
که دیگر قابل تحلیل نیستند



تا بالاخره خدا را بشناسند
بدون اینکه درکش کنند
بی‌رحم و بی‌گناه
فرشتگانی مرده، معاف از کیفر و ضدزنگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی